

The Relationship between Adolescents' Sense of Relative Deprivation and Their Expectations of Parents

Abedinzadeh A¹, *Mohammadi A¹, Jahanbakhsh E¹

Author Address

1. Department of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.

*Corresponding author's email: Asghar.mo.de@gmail.com

Received: 2020 September 12; Accepted: 2020 October 27

Abstract

Background & Objectives: Cultural traditions in Iran, more than other aspects of social life, have undergone changes; accordingly, some social developments have facilitated the emergence of social groups with different viewpoints and aspirations. Social changes induced by modernization have altered the kinds of children's expectations from their parents. The family institution is in a state of crisis; not only parents are unable to meet their children's new expectations, but also there is no substitute for their children's new expectations. Such conditions also lead to family crises and the inability of parents to meet their children's expectations of them. The present world has raised the level of social awareness and public literacy, and concurrently, elevated and varied the level of children's expectations from their parents. The present study aimed to explore the relationship between adolescents' sense of relative deprivation and their expectations of their parents.

Methods: This was a cross-sectional and correlational study. The statistical population of the study included all adolescents in South Khorasan Province, Iran, aged 13–18 years (according to the 2016 family statistics, i.e., about 75561 adolescents). In this study, Krejcie and Morgan's table (1970) was used to estimate the sample size (N=384). However, to ensure the adequacy of the sample size and given the potential sample dropout, the sample size was increased to 580 subjects. The study participants were selected using a stratified sampling method. The inclusion criteria of the present study included being a student (seventh, eighth, ninth, 10th, 11th, & 12th grades) in South Khorasan Province and desire to participate in the study. The provision of incomplete questionnaires was also considered as the exclusion criterion of the study. Data collection tools were Questionnaire of Children's Expectations of Parents, the Rate of Childbearing (Naseri et al., 2016), and the Level of Relative Deprivation Questionnaire (Rastegar Khaled et al., 2014). Data analysis was performed using SPSS at descriptive and analytical levels. Descriptive statistics, including frequency and percentage, were employed for nominal and ranking variables. In analytical statistics, to compare the expectations of respondents from their parents by gender and their educational level, a t-test was implemented. Besides, the effect of the independent variable was estimated by the Pearson correlation coefficient. The significance level was set at 0.05 and the confidence level was considered 95%.

Results: The present research findings indicated that the mean±SD score of children's expectations from their parents was measured as 47.30±12.56. The mean±SD score of adolescents' expectations from parents was higher in the economic dimension (14.86±2.17) and lower in the political dimension (10.27±1.32), compared to the other dimensions. The mean±SD score of respondents' expectations from parents in social dimension (13.52±2.24) and cultural dimension (12.02±1.67) was also calculated. The mean±SD expectations of male students (63.44±17.64) from their parents were higher than those of their female counterparts (58.34±14.05). Furthermore, the expectations of the tenth, 11th, and 12th-grade students (62.09±15.47) were higher than those of the seventh, eighth, and ninth-grade students (60.27±12.03). The mean±SD score of relative deprivation among the explored subjects was equal to 17.24±1.70. There was an inverse relationship between the sense of relative deprivation and expectations from parents in the study participants ($r=-0.294, p=0.001$). In other words, the higher the relative deprivation among adolescents, the lower the expectations of their parents. There was a significant and inverse relationship between the degree of the study subjects' relative deprivation and all 4 dimensions of children's expectations of parents, including cultural ($r=-0.285, p<0.001$), economic ($r=-0.321, p=0.013$), political ($r=-0.236, p=0.001$), and social ($r=-0.154, p=0.003$); however, the inverse correlation of the economic dimension was greater than the other 3 dimensions.

Conclusion: Considering the inverse relationship between the sense of relative deprivation and expectations from parents in the study participants, an important approach to respond to the adolescent's expectations is to improve their economic condition and reduce their relative deprivation through socioeconomic development.

Keywords: Children's expectations from parents, Sense of relative deprivation, Adolescents.

بررسی رابطه احساس محرومیت نسبی نوجوانان با انتظارات آنها از والدین

علیرضا عابدین‌زاده^۱، *اصغر محمدی^۲، اسماعیل جهانبخش^۲

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران؛
 ۲. دکتری تخصصی، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.
 *رایانامه نویسنده مسئول: Asghar.mo.de@gmail.com

تاریخ دریافت: ۲۲ شهریور ۱۳۹۹؛ تاریخ پذیرش: ۶ آبان ۱۳۹۹

چکیده

زمینه و هدف: تغییرات اجتماعی ناشی از مدرن‌شدن باعث افزایش سطح آگاهی‌های اجتماعی و سواد عمومی شده و به موازات آن سطح توقعات و انتظارات فرزندان از والدین نیز به مراتب بیشتر و متفاوت‌تر از گذشته شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه احساس محرومیت نسبی نوجوانان استان خراسان جنوبی با انتظارات آنها از والدینشان انجام شد.

روش‌بررسی: این مطالعه مقطعی و از نوع توصیفی بود. مطالعه حاضر در سال ۱۳۹۸ و در میان ۵۸۰ نفر از نوجوانان استان خراسان جنوبی با دامنه سنی ۱۳ تا ۱۸ سال و به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌های انتظارات فرزندان از والدین و میزان فرزندمداری (ناصری و همکاران، ۱۳۹۵) و میزان احساس محرومیت نسبی (رستگارخالد و همکاران، ۱۳۹۳) بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۵ در دو سطح توصیفی و تحلیلی با آزمون تی و ضریب همبستگی پیرسون صورت گرفت. سطح معناداری برابر با ۰/۰۵ بود.

یافته‌ها: میانگین نمره انتظارات فرزندان از والدینشان $47/30 \pm 12/56$ بود. نمره انتظارات نوجوانان از والدین در بُعد اقتصادی ($14/86 \pm 2/17$) بیشتر و در بُعد سیاسی ($10/27 \pm 1/32$) کمتر از سایر ابعاد به دست آمد. میانگین نمره احساس محرومیت نسبی پاسخ‌گویان $17/24 \pm 1/70$ بود. بین احساس محرومیت نسبی نوجوانان و انتظارات آنها از والدین رابطه معکوس وجود داشت ($r = -0/294, p < 0/001$).

نتیجه‌گیری: باتوجه به وجود رابطه معکوس بین احساس محرومیت نسبی نوجوانان و انتظارات آنها از والدین، با بهبود شیوه معیشتی و کاستن از احساس محرومیت نسبی از طریق توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌توان انتظارات نوجوانان این استان را متعادل کرد.

کلیدواژه‌ها: انتظارات فرزندان از والدین، احساس محرومیت نسبی، نوجوانان.

پژوهش ناصری و همکاران با بررسی جامعه‌شناختی گونه‌شناسی خانواده و فرزندمداری در شهر تهران مشخص شد که بین متغیرهای جنسیت، قدرت، میزان محرومیت نسبی و فرزندمداری رابطه وجود دارد (۸). همچنین در تحقیق حسینی امین و همکاران اکثر شهروندان تهرانی پاسخگوی پژوهش (۷۲/۱ درصد) دارای احساس محرومیت نسبی متوسط بودند (۹). در پژوهش قدیمی و قاسمی، درک و تصور پاسخ‌گویان از احساس محرومیت نسبی، در حد متوسط رو به بیشتر قرار داشت (۱۰). همچنین نتایج پژوهش برومند و ظریفی نشان داد، میانگین احساس محرومیت دبیران آموزش و پرورش شهرستان بستان‌آباد ۷۲/۳ درصد است (۱۱). در تحقیق رستگارخالد و همکاران با بررسی ارتباط احساس محرومیت نسبی با همبستگی اجتماعی بین جوانان شهر تهران، محرومیت نسبی در ایجاد و شکل‌دهی رفتارهای جمعی در میان نوجوانان مؤثر بود (۱۲).

جدیدبودن موضوع تحقیق از حیث شناسایی رابطه بین احساس محرومیت نسبی فرزندان با انتظارات آن‌ها از والدینشان، آسیب‌های اجتماعی ناشی از نبود توجه و مطالعه احساس محرومیت نسبی و تغییر شیوه نگرش فرزندان به روابط فرزند-والد، اهمیت و ضرورت بررسی این موضوع را در استان خراسان جنوبی با توجه به بافت نسبتاً سنتی و محرومیت بیشتر آن در مقایسه با سایر استان‌ها بیان می‌کند. عوامل زیادی بر انتظارات فرزندان از والدین می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ ولی هدف این پژوهش بررسی رابطه بین احساس محرومیت نسبی فرزندان با انتظارات آن‌ها از والدین بود.

۲ روش بررسی

پژوهش حاضر، مطالعه‌ای مقطعی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری را در این تحقیق تمامی نوجوانان استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۹۸ با دامنه سنی ۱۳ تا ۱۸ سال تشکیل دادند که برابر سرشماری سال ۱۳۹۵ حدود ۷۵۵۶۱ نفر نوجوان بودند (۱۳). روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم جمعیت نوجوان ۱۳ تا ۱۸ سال هریک از شهرهای استان (جدول ۱) بود که در مرحله نهایی افراد به صورت تصادفی انتخاب شدند. در این تحقیق برای برآورد حجم نمونه از جدول کرجسی و مورگان استفاده شد و حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شد (۱۴)؛ اما برای اطمینان از حجم نمونه و به منظور جلوگیری از ریزش و تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها، حجم نمونه به ۵۸۰ نفر افزایش یافت.

معیارهای ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش حاضر شامل دانش‌آموز بودن در استان خراسان جنوبی در دوره اول مقطع متوسطه (پایه‌های هفتم، هشتم، نهم) و دوره دوم مقطع متوسطه (پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم) بود که با مراجعه به مدارس مقاطع متوسطه اول و دوم این امر محقق شد و داشتن تمایل برای شرکت در مطالعه بود که قبل از تکمیل پرسشنامه تمایل‌شان بررسی شد و به آن‌ها گفته شد که همکاری در پژوهش اجباری نیست و در صورت تمایل به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند. همچنین تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها به عنوان معیار خروج در نظر گرفته شد. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها این ابزارها به کار رفت.

تغییرات اجتماعی ناشی از مدرن‌شدن، نوع انتظارات فرزندان را در خانواده از والدین دچار تغییر و تحول کرده است. براساس پیش‌فرض‌ها، در گذشته انتظارات فرزندان با اهداف سنتی نهاد خانواده بیشتر منطبق بوده است و از این‌رو خانواده در جهت تأمین انتظارات طرفین بیشتر موفقیت داشته است؛ ولی در نسل جدید به دلیل افزایش فردگرایی و دنبال‌کردن امیال شخصی هریک از فرزندان خانواده، انتظارات شکل خاصی به خود گرفته است. در واقع نوعی فرزندمداری در خانواده‌ها ایجاد شده است که با گونه‌های دیگر خانواده ایرانی متفاوت است؛ همچنین فرزندان در سازوکار خانواده مشارکت بیشتری دارند و نقش مهم‌تری پیدا می‌کنند. عوض شدن شیوه نگرش فرزندان به روابط فرزند-والد، پیروی نکردن آن‌ها از والدین را به دنبال داشته است (۱). امروزه به نوعی نهاد خانواده دستخوش بحران شده است؛ به نحوی که از یک‌سو والدین از پاسخ‌گویی به انتظارات جدید فرزندان ناتوان شده‌اند و از طرف دیگر جایگزینی برای انتظارات جدید فرزندان ندارند؛ از این‌رو به نظر می‌رسد، ارکان نهاد خانواده دستخوش تزلزل و تولید نارضایتی است؛ همچنین بحران خانواده را به دنبال دارد و موجب ناتوانی^۱ والدین در برآوردن انتظارات فرزندان از آن‌ها شده است (۲).

از عوامل مرتبط با انتظارات فرزندان از والدین، می‌توان محرومیت نسبی^۲ را نام برد (۳). محرومیت نسبی به معنای کمبودی است که شخص با مقایسه شرایط اقتصادی خود با دیگران درک یا احساس می‌کند؛ این احساس نتیجه اختلاف درک شده میان انتظارات ارزشی افراد و توانایی‌های ارزشی است (۴). براساس نظریه تدگر، هرچه ارزش‌های اقتصادی و مادی در جامعه‌ای بیشتر باشد، احساس محرومیت نسبی بیشتر می‌شود (۵). ناتوانی والدین از یک‌سو و احساس محرومیت نسبی فرزندان از سوی دیگر موجب ایجاد مشکلات جدی برای فرزندان و والدین در خانواده‌ها شده است. در این بین در استان خراسان جنوبی به دلیل محرومیت بیشتر از جمله امکانات آموزشی، رفاهی، تحصیلی و بافت نسبتاً سنتی آن، به نظر می‌رسد باید انتظارات فرزندان از والدین در حد معقول‌تری باشد؛ ولی تحول خانواده‌ها در چند دهه اخیر موجب شده است که خانواده‌های این استان نیز در معرض تغییر انتظارات فرزندان قرار بگیرند. در این پژوهش منظور از انتظارات فرزندان از والدین درک انتظارات نوجوانان استان خراسان جنوبی از سوی والدینشان است که ناشی از تغییرات شناختی، اجتماعی و زیستی در آنان است؛ همچنین درک انتظارات نوجوانان می‌تواند در برقراری رابطه‌ای صمیمی بین والدین و نوجوانان و ایجاد تعادل در سامانه خانواده مؤثر باشد (۶).

بررسی ادبیات تحقیق نشان می‌دهد، تاکنون تحقیقات اندکی در زمینه رابطه احساس محرومیت نسبی فرزندان و انتظارات آن‌ها از والدین انجام شده است. مطابق نتایج تحقیق دانش و همکاران، گرایش نوجوانان و جوانان به ارزش‌های مدرن و احساس بحران هویت ناشی از جافتادگی آن‌ها از نسل‌های پیشین به مرور افزایش یافته است (۷). در

2. Relative deprivation

1. Disability

جدول ۱. نمونه آماری پژوهش

ردیف	نام شهرستان	جمعیت ۱۳ تا ۱۸ ساله	درصد	تعداد نمونه
۱	بیرجند	۲۴۳۹۵	۰/۴۴	۲۵۳
۲	طیس	۵۸۳۹	۰/۱۰	۶۱
۳	قاینات	۱۱۶۳۳	۰/۲۱	۱۲۱
۴	فردوس	۴۱۴۴	۰/۰۷	۴۳
۵	نهبندان	۵۵۵۳	۰/۱۰	۵۸
۶	سربیشه	۴۲۸۶	۰/۰۸	۴۴
	جمع		۱۰۰	۵۸۰

منبع: سایت معاونت آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی، نتایج سرشماری ۱۳۹۵ (۱۳)

۱۳ تا ۱۸ سال بود. از آنجاکه اکثریت نوجوانان در این گروه سنی دانش‌آموز هستند، به‌منظور سهولت دسترسی به نوجوانان و تکمیل پرسشنامه‌ها، به دانش‌آموزان دوره اول مقطع متوسطه (پایه‌های هفتم، هشتم، نهم) و دوره دوم مقطع متوسطه (پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم) شش شهرستان خراسان جنوبی به‌عنوان جمعیت آماری مراجعه شد. براساس روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم (جمعیت دانش‌آموزی)، در بیرجند به چهار مدرسه، در قاینات به سه مدرسه، در هریک از شهرهای طیس و نهبندان به دو مدرسه و در هریک از شهرهای فردوس و سربیشه به یک مدرسه در مقطع متوسطه مراجعه شد (در مجموع سیزده مدرسه). انتخاب مدارس به‌شیوه تصادفی بود و براساس فهرست دریافتی از ادارات آموزش و پرورش شهرهای مذکور انجام پذیرفت. در مدارس با همکاری مدیران و معلمان به‌شیوه تصادفی ساده دانش‌آموزان پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. در انجام پژوهش سعی شد ملاحظات اخلاقی لازم از قبیل محرمانه نگه‌داشتن اطلاعات، کسب رضایت آگاهانه و نبود تحمیل هرگونه آسیب جسمی و روحی به نوجوانان رعایت شود.

تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۵ در دو سطح توصیفی و تحلیلی انجام پذیرفت. آمار توصیفی شامل فراوانی و درصد برای متغیرهای اسمی و رتبه‌ای به‌دست آمد. در آمار تحلیلی، برای بررسی همسانی توزیع متغیرهای مطالعه‌شده با توزیع نظری نرمال از آزمون آماری کولموگوروف-اسمیرنوف^۲ و برای مقایسه میزان انتظارات پاسخ‌گویان از والدینشان برحسب جنسیت و مقطع تحصیلی آن‌ها از آزمون تی و برای تأثیر متغیر مستقل بر وابسته از ضریب همبستگی پیرسون بهره گرفته شد. سطح معناداری ۰/۰۵ و سطح اطمینان ۹۵ درصد بود.

۳ یافته‌ها

در این پژوهش در مجموع، از ۵۸۰ دانش‌آموز ۱۳ تا ۱۸ ساله (نوجوان) مطالعه‌شده، ۲۹۰ نفر (۵۰ درصد) را پسران و ۲۹۰ نفر (۵۰ درصد) را دختران تشکیل دادند. همچنین ۲۹۰ نفر از پاسخ‌گویان (۵۰ درصد) در پایه‌های هفتم، هشتم و نهم و ۲۹۰ نفر (۵۰ درصد) در پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم مشغول به تحصیل بودند. محل سکونت ۴۳۵ نفر (۷۵ درصد) از دانش‌آموزان شهر و ۱۴۵ نفر (۲۵ درصد) روستا بود. از

پرسشنامه انتظارات فرزندان از والدین و فرزندمداری: برای بررسی انتظارات فرزندان از والدین و میزان فرزندمداری از پرسشنامه پانزده‌سؤالی انتظارات فرزندان از والدین تهیه‌شده توسط ناصری و همکاران در سال ۱۳۹۵ استفاده شد (۸). در این پرسشنامه گویه‌ها براساس مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم، کاملاً موافقم) از ۱ تا ۵ نمره داده می‌شود. در این پرسشنامه ابعاد چهارگانه انتظارات فرزندان از والدین عبارت است از: ۱. فرهنگی (چهار گویه)؛ ۲. اقتصادی (چهار گویه)؛ ۳. سیاسی (چهار گویه)؛ ۴. اجتماعی (سه گویه). برای محاسبه شاخص انتظارات فرزندان از والدین، ابتدا متغیرها به متغیر فاصله‌ای تبدیل می‌شود؛ به این معنا که برای گویه‌ها از ۱ تا ۵ نمره تعلق می‌گیرد و در مجموع نمره‌ها باهم جمع می‌شود و شاخص انتظارات فرزندان از والدین محاسبه می‌شود؛ بنابراین دامنه نمرات کل پرسشنامه بین ۱۵ تا ۷۵ قرار دارد. افزایش نمره به‌معنای افزایش انتظارات فرزندان از والدینشان است. به‌عبارت‌دیگر، در تمام ابعاد امتیاز بیشتر بیانگر انتظارات زیاد و امتیاز کمتر بیانگر سطح انتظارات کم است (۸). میزان پایایی این پرسشنامه در پژوهش ناصری و همکاران ۰/۸۱ (۸) و در تحقیق حاضر ۰/۷۲ بود.

پرسشنامه میزان احساس محرومیت نسبی: برای ارزیابی میزان احساس محرومیت نسبی با اقتباس از نظریه تد رابرت گرا^۱ (۵) و از پرسشنامه چهار گویه‌ای بومی‌شده رستگارخالد و همکاران تهیه‌شده در سال ۱۳۹۳ (۱۲) استفاده شد. برای محاسبه شاخص میزان احساس محرومیت نسبی چهار گویه پنج‌گزینه‌ای لیکرت (۱= کاملاً مخالف تا ۵= کاملاً موافق) به‌کار می‌رود که پس از تجمیع نمره‌ها این شاخص به‌دست می‌آید؛ بنابراین حداقل نمره ۴ و حداکثر آن ۲۰ است و افزایش نمره به‌معنای بیشتر شدن میزان احساس محرومیت نسبی نوجوانان است (۱۲). رستگار خالد و همکاران ضریب آلفای کرونباخ احساس محرومیت نسبی را ۰/۷۸ به‌دست آوردند (۱۲).

گردآوری داده‌ها در این پژوهش با استفاده از پرسشنامه به این صورت انجام گرفت که شش نفر از پرستگران آموزش‌دیده در جلسه توجیهی شرکت کردند. سپس دستورالعمل و راهنمای نحوه تکمیل پرسشنامه در اختیار آنان قرار گرفت؛ همان‌طور که ذکر شد، جامعه آماری در این تحقیق شامل تمامی نوجوانان استان خراسان جنوبی با دامنه سنی

2. One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test

1. Ted Robert Gurr

نظر سطح تحصیلات پدر، ۶ درصد (۳۵ نفر) بی‌سواد، ۳/۳ درصد (۱۹ نفر) با تحصیلات ابتدایی، ۲۳/۸ درصد (۱۳۸ نفر) دارای تحصیلات راهنمایی و دبیرستان و ۲۱/۹ درصد (۱۲۷ نفر) با تحصیلات دیپلم بودند. همچنین ۳۴/۱ درصد (۱۹۸ نفر) تحصیلات فوق‌دیپلم و ۱۰/۹ درصد (۶۳ نفر) تحصیلات لیسانس و بیشتر داشتند. با بررسی سطح تحصیلات مادران دانش‌آموزان پاسخ‌گوی این

پژوهش، ۳۱/۹ درصد (۱۸۵ نفر) بی‌سواد، ۳۸/۸ درصد (۲۲۵ نفر) با تحصیلات ابتدایی، ۸/۶ درصد (۵۰ نفر) دارای تحصیلات راهنمایی و دبیرستان و ۱۵/۹ درصد (۹۲ نفر) با تحصیلات دیپلم بودند. همچنین ۰/۲ درصد (۱ نفر) تحصیلات فوق‌دیپلم و ۴/۶ درصد (۲۷ نفر) تحصیلات لیسانس و بیشتر داشتند.

جدول ۲. بررسی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی ابعاد انتظارات فرزندان از والدین

ابعاد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
فرهنگی	۴	۲۰	۱۲/۰۲	۱/۶۷
اقتصادی	۴	۲۰	۱۴/۸۶	۲/۱۷
سیاسی	۴	۲۰	۱۰/۲۷	۱/۳۲
اجتماعی	۳	۱۵	۱۳/۵۲	۲/۲۴
نمره انتظارات فرزندان از والدین	۱۵	۷۵	۴۷/۳۰	۱۲/۵۶

مطابق جدول ۲، میانگین نمره انتظارات فرزندان از والدینشان ۴۷/۳۰±۱۲/۵۶ بود. نمره انتظارات نوجوانان از والدین در بُعد اقتصادی (۱۴/۸۶±۲/۱۷) بیشتر از سایر ابعاد و در بُعد سیاسی (۱۰/۲۷±۱/۳۲) کمتر از سایر ابعاد به دست آمد. میانگین نمره انتظارات پاسخ‌گویان از والدین در بُعد اجتماعی ۱۳/۵۲±۲/۲۴ و در بُعد فرهنگی ۱۲/۰۲±۱/۶۷ بود.

جدول ۳. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده‌های متغیر انتظارات فرزندان از والدین به تفکیک جنسیت و مقطع تحصیلی پاسخ‌گویان

جنسیت	مقطع تحصیلی	انتظارات فرزندان از والدین	آماره	مقدار احتمال
جنسیت		دختر	۱/۲۱۵	۰/۱۰۴
		پسر	۱/۳۲۹	۰/۰۵۸
مقطع تحصیلی		دوره اول مقطع متوسطه (پایه‌های هفتم، هشتم و نهم)	۱/۱۳۴	۰/۱۵۲
		دوره دوم مقطع متوسطه (پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم)	۱/۱۶۹	۰/۱۳۰

از آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی همسانی توزیع متغیرهای مطالعه شده با توزیع نظری نرمال استفاده شد. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که مقدار احتمال بیشتر از ۰/۰۵ است و فرض نرمالیتی رد نمی‌شود؛ بنابراین برای مقایسه انتظارات فرزندان از والدین بر حسب جنسیت و مقطع تحصیلی آن‌ها از آزمون تی استفاده شد.

جدول ۴. مقایسه انتظارات فرزندان از والدین بر حسب جنسیت و مقطع تحصیلی آن‌ها

متغیر	انتظارات پاسخ‌گویان از والدین	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	درجه آزادی	مقدار احتمال
جنسیت	دختر	۲۹۰	۵۸/۳۴	۱۴/۰۵	-۲/۱	۵۷۸	۰/۰۲۳
	پسر	۲۹۰	۶۳/۴۴	۱۷/۶۴			
مقطع تحصیلی	دوره اول مقطع متوسطه (پایه‌های هفتم، هشتم و نهم)	۲۹۰	۶۰/۲۷	۱۲/۰۳	-۰/۷۰۷	۵۷۸	۰/۰۴۸
	دوره دوم مقطع متوسطه (پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم)	۲۹۰	۶۲/۰۹	۱۵/۴۷			

نتایج آزمون تی درباره مقایسه میانگین‌های دو گروه مستقل نشان داد، بین انتظارات دانش‌آموزان دختر و پسر از والدینشان تفاوت معناداری وجود دارد و انتظارات دانش‌آموزان پسر از والدینشان بیشتر از دانش‌آموزان دختر است ($p=۰/۰۲۳$)؛ همچنین انتظارات فرزندان از والدین در دانش‌آموزان دوره اول مقطع متوسطه (پایه‌های هفتم، هشتم و نهم) و دوره دوم مقطع متوسطه (پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم) تفاوت معناداری دارد؛ با توجه به میانگین‌ها انتظارات فرزندان از والدین در دانش‌آموزان پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم بیشتر از پایه‌های هفتم، هشتم و نهم است ($p=۰/۰۴۸$).

جدول ۵. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده‌ها

مقدار احتمال	آماره	متغیرها
۰/۰۷۳	۱/۷۴۴	فرهنگی
۰/۲۵۱	۱/۰۱۸	اقتصادی
۰/۰۶۲	۱/۴۹۸	سیاسی
۰/۰۶۷	۱/۶۰۳	اجتماعی
۰/۰۵۳	۲/۲۲۷	احساس محرومیت

نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمالیتی نشان می‌دهد که مقدار احتمال بیشتر از ۰/۰۵ است و فرض نرمالیتی داده‌ها رد نمی‌شود؛ بنابراین برای بررسی همبستگی بین احساس محرومیت نسبی

جدول ۶. همبستگی پیرسون بین احساس محرومیت نسبی و میزان انتظارات فرزندان از والدین

انتظارات فرزندان از والدین	ابعاد انتظارات فرزندان از والدین				احساس محرومیت نسبی
	اجتماعی	سیاسی	اقتصادی	فرهنگی	
۰/۲۹۴-	۰/۱۵۴-	۰/۲۳۶-	۰/۳۲۱-	۰/۲۸۵-	همبستگی (r)
۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۱۳	<۰/۰۰۱	مقدار احتمال

در جریان وسیع اطلاعات قرار گرفته‌اند و اطلاعات آنان در دنیای پیشرفته در حال تغییر موجب پیدایش پی‌درپی ارزش‌های نو شده است؛ تا آنجا که با نظریه‌ها و دیدگاه‌های جدید آشنا شده‌اند و به همان میزان سطح انتظارات و توقعات آنان افزایش یافته است. در واقع نسل جدید، چندان خود را در چارچوب هنجارهای گذشتگان تعریف نمی‌کند و به دنبال الگوهای جدید زندگی برای خود است؛ همچنین انتظارات آن‌ها از والدینشان با نسل‌های قبلی متفاوت‌تر شده است (۷).

بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، میانگین نمره احساس محرومیت نسبی در بین نوجوانان استان خراسان جنوبی $17/24 \pm 1/7$ به دست آمد. این یافته با نتایج تحقیق برومند و ظریفی درباره بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مرتبط با میزان رضایت شغلی دبیران آموزش و پرورش شهرستان بستان‌آباد همسوست؛ در پژوهش آن‌ها آن درک و تصور پاسخ‌گویان از احساس محرومیت نسبی، در حد متوسط رو به بیشتر قرار داشت (۱۱). همچنین یافته حاضر با پژوهش قدیمی و قاسمی همسوست که طی آن درک و تصور پاسخ‌گویان از احساس محرومیت نسبی، در حد متوسط رو به بیشتر قرار داشت (۱۰)؛ ولی با نتایج پژوهش ربانی خوراسگانی و همکاران مطابقت ندارد. بر اساس یافته‌های پژوهش آن‌ها، دانشجویان دانشگاه اصفهان از محرومیت نسبی کمی برخوردار بودند (۶). در تبیین باید گفت، باتوجه به محروم بودن استان خراسان جنوبی در مقایسه با سایر استان‌ها، احساس بی‌عدالتی و محرومیت نسبی در آن نیز زیاد است و با نظریه تدگر همسوست؛ طبق آن هرچه ارزش‌های اقتصادی و مادی در جامعه‌ای بیشتر باشد احساس محرومیت نسبی بیشتر می‌شود (۶).

همچنین نتایج تحقیق حاضر نشان داد، بین متغیرهای احساس محرومیت نسبی در فرزندان و انتظارات آن‌ها از والدین رابطه معنادار و معکوس وجود دارد؛ یعنی هرچه احساس محرومیت به صورت نسبی

بررسی ضریب همبستگی احساس محرومیت نسبی در فرزندان و انتظارات آن‌ها از والدینشان، وجود رابطه معنادار و معکوس را بین دو متغیر نشان داد ($r = -0/294, p < 0/001$)؛ به این معنا که هرچه احساس محرومیت نسبی در نوجوانان بیشتر باشد، آن‌ها انتظارات کمتری از پدر و مادر خود دارند. رابطه معنادار و معکوس بین میزان احساس محرومیت نسبی آن‌ها و هر چهار بُعد انتظارات فرزندان از والدین (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی) برقرار بود؛ ولی همبستگی معکوس بُعد اقتصادی بیشتر از سه بُعد دیگر به دست آمد.

۴ بحث

این پژوهش با هدف بررسی رابطه احساس محرومیت نسبی نوجوانان استان خراسان جنوبی با انتظارات آن‌ها از والدینشان انجام شد. نتایج نشان داد، میانگین نمره انتظارات فرزندان از والدینشان $47/30 \pm 12/56$ است. در پژوهش حاضر، انتظارات نوجوانان از والدین در بُعد اقتصادی بیشتر و در بُعد سیاسی کمتر از سایر ابعاد بود. نتیجه به دست آمده را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که تغییرات اجتماعی ناشی از مدرن شدن، نوع انتظارات فرزندان را در خانواده از والدین دچار تغییر و تحول کرده است.

دنیای جدید، افزایش سطح آگاهی‌های اجتماعی و سواد عمومی و تحصیلات را در پی داشته است و به موازات آن سطح توقعات و انتظارات فرزندان از والدین نیز به مراتب بیشتر و متفاوت‌تر از گذشته شده است. از طرف دیگر در عصر مدرنیته تمایزات و تفاوت‌های فرهنگی-اجتماعی گروه‌های اجتماعی و نیز آحاد جامعه بیشتر و همانندی‌های گذشته کم‌رنگ‌تر شده است؛ از این رو نوع انتظارات فرزندان نیز متحول شده است. این دگرگونی از طرفی بحران روابط اعضای خانواده و کارایی کمتر تجربیات والدین و بزرگ‌ترها را به دنبال داشته است (۲). تحولات رخ داده در دهه اخیر نشان می‌دهد، نوجوانان

در نوجوانان بیشتر باشد، آن‌ها انتظارات کمتری از پدر و مادر خود دارند. این یافته از پژوهش با تحقیق رستگار خالد و همکاران مبنی بر ارتباط احساس محرومیت نسبی با همبستگی اجتماعی بین جوانان شهر تهران همخوانی دارد (۱۲). تبیین آن به این صورت است که محرومیت نسبی می‌تواند به‌عنوان عاملی کلیدی در ایجاد و شکل‌دهی رفتارهای جمعی در میان نوجوانان مؤثر باشد (۱۲). در استان خراسان جنوبی به‌دلیل بهره‌مندی کمتر این استان از انواع امکانات رفاهی، آموزشی، تفریحی و... احساس محرومیت نسبی نوجوانان این استان بیشتر است و همین امر موجب کاهش انتظارات آن‌ها از والدینشان شده است. فراهم کردن مزایای برابر برای اموری که وضعیتی یکسان دارند، ممکن است احساس محرومیت نسبی را کاهش دهد و به متعادل کردن انتظارات نوجوانان از والدینشان کمک کند (۲). براساس پیش‌فرض‌ها، انتظارات فرزندان در گذشته انطباق بیشتری با اهداف سنتی نهاد خانواده داشته است؛ از این‌رو خانواده به‌سبب تأمین انتظارات طرفین، بیشتر موفق بوده است و عوارضی همچون آسیب دیدن روابط فرزندان با والدین کمتر بوده است؛ ولی در نسل جدید به‌سبب افزایش فردگرایی و دنبال کردن آرزوهای شخصی هریک از فرزندان خانواده، انتظارات شکل خاصی به خود گرفته است (۸). این پژوهش در بین دانش‌آموزان دوره‌های اول و دوم مقطع متوسطه استان خراسان جنوبی انجام شده است و در تعمیم یافته‌های پژوهش به دانش‌آموزان سایر استان‌های کشور و سایر مقاطع تحصیلی باید احتیاط کرد. همچنین در این پژوهش صرفاً از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه استفاده شد و از روش‌های کیفی بهره‌گرفته نشده است. بانوجه به اینکه رابطه بین احساس محرومیت نسبی در فرزندان و انتظارات فرزندان از والدین معنادار است، باید راهکارهای مناسبی برای کاهش احساس محرومیت نسبی پیدا کرد تا انتظارات فرزندان از والدین منطقی شود. برگزاری بیش از پیش کارگاه‌ها و جلسات آموزش مهارت‌های زندگی به تمامی دانش‌آموزان، به‌خصوص دانش‌آموزان پایه‌های هفتم، هشتم و نهم (جامعه هدف پژوهش حاضر) به‌منظور کسب هرچه بیشتر این مهارت‌ها در این زمینه می‌تواند مؤثر باشد. پیشنهاد می‌شود از والدین دانش‌آموزان برای شرکت در دوره‌های آموزشی خانواده دعوت شود و نقش ویژه آنان برای دانش‌آموزان بیان شود. برگزاری کارگاه‌ها و تبیین و ارتقای سبک‌های فرزندپروری توسط اداره آموزش و پرورش در مدارس شهرستان برای والدین و به‌خصوص مادران دانش‌آموزان و توجیه آنان از دیگر پیشنهادها پژوهش است.

۵ نتیجه‌گیری

بین احساس محرومیت نسبی نوجوانان استان خراسان جنوبی و انتظارات آن‌ها از والدین رابطه معکوس وجود دارد. بهبود شیوه

معیشتی و کاستن از احساس محرومیت نسبی از طریق توسعه اقتصادی و اجتماعی در این استان می‌تواند بر متعادل کردن انتظارات نوجوانان اثر مثبت داشته باشد؛ همچنین محرومیت نسبی می‌تواند به‌عنوان عاملی کلیدی در ایجاد و شکل‌دهی رفتارهای جمعی در میان نوجوانان مؤثر باشد.

۶ تشکر و قدردانی

از نوجوانان یاری‌کننده در انجام این پژوهش سپاسگزاری می‌شود.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این مقاله بخشی از رساله مقطع دکتری تخصصی رشته جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر انتظارات فرزندان از والدین (مورد مطالعه: نوجوانان استان خراسان جنوبی)» با کد دفاع ۱۶۲۲۷۶۹۵۴۰۱۶۲۲۷۶۹۵۴۰۱۶۲۲۷۶۹۵۴ دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد دهقان است. در انجام پژوهش سعی شد ملاحظات اخلاقی لازم از قبیل محرمانه نگه داشتن اطلاعات، کسب رضایت آگاهانه و نبود تحمیل هرگونه آسیب جسمی و روحی به نوجوانان رعایت شود.

رضایت برای انتشار

این امر غیرقابل اجرا است.

دردسترس بودن داده‌ها و مواد

داده‌ها و مواد پژوهش از قبیل مبانی نظری و پرسشنامه‌ها در اختیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان قرار دارد.

تضام منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تضاد منافی ندارند.

منابع مالی

در تهیه و تدوین این پژوهش از مساعدت مالی هیچ نهاد و سازمانی استفاده نشده است.

مشارکت نویسندگان

تدوین رساله دکتری و استخراج این مقاله از آن به عهده علی‌رضا عابدین‌زاده (دانشجو) و نظارت بر فرایند کار و راهنمایی و مشاوره بر عهده اساتید اصغر محمدی (استاد راهنما) و اسماعیل جهانبخش (استاد مشاور) بود. همه نویسندگان نسخه دست‌نوشته نهایی را خواندند و تأیید کردند.

References

1. Mohammadi A, Sadeghi Z. Investigating the effect of children's dominance on family relationships and kinship relationships. *Women and Family Studies*. 2009;2(5):131–53. [Persian] http://jwsf.iaut.ac.ir/article_519704_cac599f22b6c640a629fdafb3e7abd5e.pdf?lang=en
2. Hekmatnia M, Bahadori Jahromi S. Investigating the theory of role separation in the family. *Journal of Social Science Studies*. 2016;2(4):28–36. [Persian] <http://uctjournals.com/farsi/archive/socials/1395/winter/4.pdf>
3. Ahadi S, Hejazi M, Entesar Foumany G. The relationship between parenting styles and adolescent's identity and aggression. *Indian Journal of Fundamental and Applied Life Sciences*. 2014;4(S3):1171–8.
4. Jalali R, Oloumi F. The feelings of relative deprivation effects on the tendency of some western residents to ISIS. *Strategic Studies Quarterly*. 2020;23(87):33–60. [Persian] http://quarterly.risstudios.org/m/article_110720_30dea05f5c0ef64c19ff474d5432806a.pdf?lang=en
5. Robert Gurr T. *Why Do Humans Rebel? Morshedizad A (Persian translator)*. Tehran: Research Institute for Strategic Studies; 1998. p. 2 [Persian]
6. Rabbani Khorasghani A, Rabbani R, Hassani M. Relation between relative deprivation and attitude toward national identity (case sampling: students of Isfahan university). *Journal of Applied Sociology*. 2011;22(2):67–94. [Persian] https://jas.ui.ac.ir/article_18225_62766e2686d180919f17bf09465ca45b.pdf?lang=en
7. Danesh P, Zakeri Nasrabadi Z, Abdellahi AS. Sociological analysis of the generation gap in Iran. *Sociological Cultural Studies*. 2014;5(3):1–30. [Persian] http://socialstudy.ihcs.ac.ir/article_1701_b404d037fdd18a5cd7ac97753af292fa.pdf?lang=en
8. Naseri S, Saroukhani B, Vahida F, Behyan S. The investigation of sociological families and filo centric typology acase study in Tehran. *Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development)*. 2016;10(4):7–32. [Persian] doi: [10.22055/qjsd.2016.12375](https://doi.org/10.22055/qjsd.2016.12375)
9. Hosseini Amin SN, Seyed Mirzaie SM, Adrisi A. Socio-economic factors affecting the quality of life of Tehranian citizens. *Social Welfare Quarterly*. 2017;17(66):223–54. [Persian] <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3028-en.pdf>
10. Ghadimi M, Ghasemi H. The effect of feeling a sense of relative deprivation and social alienation on social security feeling (The university of Zanjan). *Danesh Entezami Zanjan*. 2012;1391(4):1–29. [Persian] http://zanjan.jrl.police.ir/article_15484_712af36d9a9ff4c97cd7397e7976b46f.pdf
11. Bromand M, Faridi Sani M. Examination of economic and social factors related to teachers' job satisfaction in Bostanabad. *Sociological studies*. 2015;7(25):77–93. [Persian] http://jss.iaut.ac.ir/article_524063_6f38a731439f3135e806af7f768a9750.pdf?lang=en
12. Rastegarkhaled A, Mohammadi M, Esmaeelbeigi M. Relation between feeling relative deprivation with social consensus in Tehran. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*. 2014;3(3):473–95. [Persian] [10.22059/jisr.2014.53152](https://doi.org/10.22059/jisr.2014.53152)
13. Iran Statistics Center. General population and housing census [Internet]. 2016; Available from: https://nnt.sci.org.ir/sites/nnt/SitePages/report95/General/population_report.aspx
14. Krejcie RV, Morgan DW. Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*. 1970;30(3):607–10. doi: [10.1177/001316447003000308](https://doi.org/10.1177/001316447003000308)